عدالت خواهی

قسمت اول

نویسنده : عباس خادم الحسینی

یکی از مواردی که برای برخوردار شدن از آرامش عمیق و شادی درونیِ منوال زندگی انسان ها نیز مثل هم نیست. داشته ها و نداشته های هر کس با آن دیگری متفاوت است و از آنجایی که در دنیا چیزی به نام عدالت کامل وجود ندارد پس طبیعی است که نابرابری هایی هم وجود داشته باشد.

اگر انتظار دارید همه ی وقایع و رخدادهای پیرامونتان عادلانه باشد سخت در اشتباهید و انتظاری غیر منطقی دارید. عدالت وجود ندارد اما این شمایید که می توانید تعیین کنید این مساله چقدر احساسات و حالات درونی شما را تحت تأثیر خود قرار دهد. عدالت وجود ندارد اما شما در مقام انتخاب قرار دارید یعنی می توانید نوع عکس العمل درونی خود را انتخاب کنید.

در نظر داشته باشید که عدالت خواهی یک مساله ی فطری است و انسان فطرتاً دوست دارد با عدالت با او رفتار شود. بنابراین عدالت خواهی به خودی خود یک نقطه ضعف و یک عیب فکری نیست اما وقتی باعث شود شما به هم بریزید و دچار هیجانات منفی و آسیب زننده ای چون ناراحتی، خشم، افسردگی، تنفر، نا امیدی یا دلسردی شوید تبدیل به یک نقطه ضعف و یک عیب فکری و رفتاری می شود. نقطه ضعفی که مانعی بزرگ برای رسیدن به یک شادی و آرامش عمیق درونی است.

توقع نداشته باشید همه با شما عادلانه رفتار کنند. انتظار نداشته باشید که همه‌ی دو دوتاهای زندگی تان چهار تا بشود. چرا که منطق، آمار یا ریاضی در وقایع زندگی جایی ندارند. اگر فکر می کنید همه چیز باید منصفانه باشد، همه چیز باید بر اساس عدالت تقسیم شود و عدالت باید محور تمام امور دنیوی باشد فقط دارید با این خواسته ی نابجا به خودتان آسیب می زنید.

عدالت خواهی از جمله عواملی است که ذهن تان را به یک بن بست خطرناک می کشاند و از میزان شادی درونی و آرامش خاطر شما می کاهد. عدالت خواهی به تنهایی این قدرت را دارد که در روابطی که با اطرافیان خود دارید ایجاد اختلال کند و نیز به تنهایی این قدرت را دارد که تا پایان عمر، آسایش روان و شادی درونی را از شما بگیرد.

اگر می توانید در آن مواردی که به مذاق تان خوش نمی آید تغییرا تی ایجاد کنید یا آنها را عوض کنید اما هرگز به دنبال عدالت نباشید و در برابر بی عدالتی‌های زندگی هم از خود عکس العمل های بی فایده و بی تأثیر نشان ندهید. دلیلی ندارد که بخواهید با همه ی بی عدالتی های اطراف تان مقابله کنید و یا در برابر همه ی آنها جبهه بگیرید.

به خاطر داشته باشید که ناراحتی و خشم شما از بی عدالتی های موجود، یک عمل کاملاً بی نتیجه است و کوچکترین تأثیر مثبتی در اوضاع نمی تواند ایجاد کند. با پریشانی و ناراحتی شما عدالت و انصاف به زندگی ها و روابط تزریق نمی شود و نابرابری های غیر منصفانه از بین نخواهد رفت.

بیشتر به شما توصیه می کنم پرهیز از عدالت خواهی است. در بسیاری از قسمت های زندگی من و شما نه تنها عدالت وجود ندارد بلکه بی عدالتی در آن موج هم می زند و این یک امر اجتناب ناپذیر است . واقعیت قضیه این است که اصلاً دنیا بر اساس عدالت محوری بنا نشده است. شاید اگر عدالت *می خواست بر همه ی جوانب زندگی ما حاکم باشد و همه ی رویدادها در پس زمینه ای از عدالت رخ دهد همه چیز شکل دیگری به خود می گرفت و دنیایی که در آن زندگی می کنیم چیزی غیر از آنچه اکنون هست می شد.

البته امیدوارم اشتباه نکنید. به هیچ عنوان قصد گفتن حرف هایی که بوی سیاست می دهد را ندارم چرا که تخصصی در زمینه ی سیاست ندارم و شغل من هم سیاسی کاری نیست. اصلاً منظورم از عدالت، نوع خاصی از آن (مثل عدالت سیاسی، عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی یا...) نیست بلکه منظورم این است که در اکثر وقایع و رویدادهای زندگی من و شما عدالت (در مفهوم عام آن) نقش و جایگاهی ندارد. قصد این را ندارم که شما را دعوت کنم تا به زندگی و قوانین زندگی بشری با بدبینی نگاه کنید اما از آنجایی که عدالت به شکل کامل و صد در صد در زندگی من و شما یافت نمی شود می‌خواهم این را بگویم که اگر بخواهید در زندگی خود به دنبال عدالت بگردید خود را به سمت ناراحتی ها و دل آزردگی های پیاپی سوق داده اید.

اغلب در روابطی که دیگران با شما دارند یا شما با دیگران دارید عدالت و انصاف رعایت نمی شود. ممکن است در جواب کوتاهی از خوبی، دنیایی از بدی نثارتان کنند. ممکن است مهر و محبت بی دریغ شما را با سردی یا بی مهری جواب دهند یا حتی به شما نارو بزنند.

شاید احساس می کنید سهم شما از زندگی بسیار کمتر از آن چیزی است که لیاقتش را دارید.

شاید فکر می کنید قسمت و نصیبی که از دنیا و زندگی دنیوی برده اید اصلاً منصفانه نیست. هستند افرادی که خیلی کمتر از شما کار و تلاش می کنند اما درآمد بیشتری دارند. هستند افرادی که به اندازه ی شما خوب و مهربان و دلسوز دیگران نیستند اما از وضعیت بهتری نسبت به شما برخوردارند مردم آنها را بیشتر قبول دارند و ارزش و بهای بیشتری نزد عامه دارند. شاید احساس می کنید همه ی این موارد منصفانه و عادلانه نیستند. شاید هم حق با شما باشد اما فراموش نکنید که زندگی همین است.

شاید همه ی این موارد ناعادلانه باشند* اما نکته ی مهم این است که واقعیت دارند و پذیرش واقعیت از پختگی و کمال ناشی می شود. قبول کنید که انسان‌ها با یکدیگر تفاوت دارند و هیچ کس تمام و کمال مثل دیگری نیست. بر همین

به بهانه سالروز کودتای ننگین علیه دولت مصدق(۲۹ مرداد)

دکتر محمد مصدق و نهضت ملی شدن صنعت نفت

قسمت دوم

گردآورنده :(معصومه دیهیم)

زمینه های شکل گیری نهضت ملی شدن نفت از آغاز تا سقوط دولت دکتر مصدق

پس از اکتشاف نفت به پنجم خرداد ۱۲۸۷ در مسجد سلیمان، اسباب دگرگونی اوضاع ایران و خاورمیانه فراهم آورده شد. جالب این که نزدیک به پنجاه سال پیش از آن در شرایطی مشابه، اولین چاه نفت در آمریکا فوران کرده بود (وضع امروز پنسیلوانیا با مسجد سلیمان به هیچ وجهی قابل قیاس نیست.)

مهم آنکه یک سال پیش از کشف نفت، نهضت مشروطه به سرانجام رسیده و با تشکیل مجلس شورای ملی، اوضاع حکومت و روند تصمیم گیری، شکل دیگری یافته بود. بی شک نهضت مشروطه و پالمانتاریسم زمینه‌ساز تغییراتی بود که در سال ۱۳۲۹ به ملی شدن صنعت نفت انجامید.

پس از تشکیل شرکت ایران انگلیس، احداث پالایشگاه نفت در آبادان و کشیدن خط لوله‌های ارتباطی میان این دو شهر جنوبی ایران در تاریخ یکم دی ۱۲۹۱ اولین محموله نفتی از آبادان راهی بازار جهانی شد. از سویی دیگر نیروی دریایی انگلستان که از دیرباز، با نیروی دریایی آلمان رقابتی آشکار و نهان داشت، برنامه بلند پروازانه‌ی تغییر سوخت کشتی‌ها از زغال سنگ به نفت را در سر می پروراند.

پس از مدت کوتاهی احساس نیاز به دستیابی به منابع نفت ایران چنان قوت گرفت که در سال ۱۲۹۲، چرچیل در پارلمان حضور یافت و با نطقی، به تعبیر نشریه "تایمز لندن" عالمانه، در باب منافع ملی نفتی انگلستان چنین هشدار داد: "اگر نتوانیم به نفت دسترسی یابیم، نخواهیم توانست غله، پنبه و هزار و یک کالای ضروری دیگر را به دست آوریم". چرچیل در جایگاه رئیس ستاد نیروی دریایی، همزمان یکی از سهامداران عمده‌ی "شرکت نفت انگلیس و ایران" بود.

در جریان جنگ جهانی اول، این شرکت توانست بدون وقفه جدی به تولید خود ادامه دهد؛ به گونه‌ای که تولید آن، از روزانه ۱۶۰۰ بشکه در سال ۱۹۱۲ به ۱۸۰۰۰ بشکه در سال ۱۹۱۸ افزایش یافت و تا اواخر سال ۱۹۱۶ یک پنجم از نیاز نیروی دریایی انگلیس را تأمین می کرد. به این ترتیب، شرکتی که در پانزده سال نخست تأسیس خود همواره با خطر ورشکستگی دست و پنجه نرم می کرد، با شراکت نیروی دریایی انگلستان، رونق گرفت و سود سرشاری را به دست آورد.

پس از کودتای رضاخان؛ وی بر تخت سلطنت نشست. رضاخان از همان روزهای اول از درآمد نفت استخراجی گله‌مند بود، این ناراحتی بدین دلیل بود که هر ساله میزان استخراج نفت بالاتر می‌رفت اما میزان عایدی ایران نوسان بسیاری داشت.

برای نمونه، درآمد نفتی در سال ۱۳۰۶ نزدیک به ۱/۴ میلیون لیره بود، اما در سال بعد به ۰/۵ میلیون لیره کاهش یافت. این مسئله خشم رضا شاه را برانگیخت. از سویی دیگر مردم نیز بر این باور بودند که توطئه‌ای از سوی دولت انگلیس در کار است.

نکته: به موجب امتیاز نامه دارسی، شرکت می‌بایست ۱۶ درصد از منافع خالص خود و تمامی شرکت های تابعه را به دولت ایران پرداخت کند. اما از قرار معلوم، شرکت به بهانه‌های مختلف و با حساب سازی‌های غیر قابل بررسی، از پرداخت بخشی از آن طفره می‌رفت.

در سال ۱۳۱۰ به یکباره درآمد ایران به کمتر از یک چهارم سال قبل کاهش یافت.

رضاخان، تیمور تاش وزیر دربار خود را مسئول پیگیری این مهم نمود، رضاخان که مذاکرات طولانی را برنمی تابید، یک روز به هیئت دولت آمد و پرونده را داخل بخاری انداخت و با خشم و غضب فریادزد: "نمی‌روید تا امتیاز را لغو کنید". به این ترتیب، در آذر ۱۳۱۱ امتیاز دارسی طبق دستور به طور یک جانبه لغو شد. حسن تقی‌زاده در نامه‌ای به "جاکس"، مدیر شرکت، الغای امتیاز دارسی را به طور رسمی اعلام کرد. اما رضاخان خیلی زود فهمید (به او فهمانده شد؟!) که به شیوه‌های رضاخانی، نمی توان هر مشکلی را حل کرد. شرکت طی ۱۹ سال اول (منتهی به سال ۱۳۱۰)، بر روی هم، ۵۶/۳ میلیون تن نفت از ایران برداشت و صادر کرد. از ۴۹/۵ میلیون لیره سود خالص در این دوره، نزدیک به ۱۰ میلیون لیره نصیب ایران شده بود. شرکت نفت انگلیس و ایران از تمام امکانات خود برای حل سریع این مسئله به نفع خود بهره برد.

از جمله این که دولت بریتانیا بی درنگ شکواییه‌ای علیه ایران به دبیر کل "جامعه‌ی ملل" تسلیم کرد و خواستار رسیدگی فوری به آن شد. نیازی به این کار نبود، چون دولت ایران فوری به مذاکره تن در داد. بررسی این شکایت تا تعیین نتیجه مذاکرات به تعویق افتاد. مذاکرات از فروردین ۱۳۱۲ آغاز شد و در کمتر از یک ماه به عقد "قرارداد ۱۳۱۲" (۱۹۳۳) منجر و پس از تصویب مجلس به اجرا گذارده شد. به موجب این قرارداد، حوزه شمول امتیاز به ۱۰۰ هزار مایل مربع (یک چهارم امتیاز دارسی) کاهش یافت.

حق انحصاری احداث و نگهداری خطوط لوله منتفی شد، بکارگیری نیروی کار ایرانی در اولویت قرار گرفت و مبلغی برای آموزش دانشجویان ایرانی در رشته صنعت نفت اختصاص یافت. اما در عوض، زمان اعتبار قرارداد از تاریخ امضا به مدت ۶۰ سال تعیین شد، پایه پرداخت سهم ایران از ۱۶ درصد سود خالص سالانه به ۴ شیلینگ برای هر بشکه تغییر کرد. در واقع میزان ثابت و مطمئن و تأثیرناپذیری از نوسان‌های بازار برای ایران در نظر گرفته شد.

اما این تغییر به هیچ روی به معنای افزایش سهم ایران نبود. این قرارداد با امتیاز دارسی تفاوت ماهوی نداشت و عوارض در پی داشت که بیشتر تحولات دهه‌ی بعد، ناشی از آن بود. هرچند که امضای این قرارداد، در آن هنگام، موفقیتی بزرگ جلوه داده شد. حسن تقی‌زاده، وزیر مالیه وقت، با امضای این قرارداد باری بر دوش خود گذاشت که ۱۴ سال بعد، هنگامی که تلاش کرد که آن را بر زمین نهد، اوضاع کشور به کلی متحول شده بود.

قدرت‌های بزرگ پیروز در جنگ، هنوز از تب و تاب جنگ خارج نشده بودند که مذاکراتی را برای تسلط بر منابع نفت خاورمیانه از جمله، ایران، آغاز کردند. برای مثال، "کافتارادزه" در رأس هیئتی از شوروی به ایران آمد تا امتیازی مشابه قرارداد نفت جنوب، در قسمت های شمالی به دست آورد. ادامه دارد...

حضرت سید حسن خمینی فرزند خلف جسمانی و روحانی خمینی کبیر

اوصیکما بتقوی الله و نظم امرکم « امام علی(ع)»

محمد باقر باقری نژادیان فرد

چنانکه مستحضرید در ایران زمین ضرورت تاسیس احزاب میلیونی، مردمی، انسانی، الهی که بتوانند با مدیریت(۱)، برنامه ریزی ،آموزش ، سازماندهی و تربیت کادرهای متخصص و متعهد در تمام سطوح متناسب با عصردانایی جهت توسعه همه جانبه و پایدار ملک و ملت را اداره نمایند به روشنی احساس و درک می‌شود.

در راستای نهضت انبیا و اولیا و حضرت روح خدا (ره) چنین امر حیاتی و سترک به دست اشخاصی امثال حضرتعالی میسور است . امید است این شجره طیبه الگویی برای امت اسلام و مستضعفان جهان گردد.

بدیهی است در عصر حاضر اگر فضا آزاد و روش سالم و رقابتی و عاقلانه و عادلانه نباشد هر حزبی تحت هر عنوانی در مدتی طولانی نمی تواند به حیات معقول خود ادامه دهد. شاید خسران ناشی ازغفلت در پیشگاه خدا و تاریخ و جامعه بخشودنی نباشد و جبران آن سخت و دشوار باشد با توجه به ضعف های تاریخی در امر حزب در این کشور بالا بردن فرهنگ سازماندهی به صورت های متفاوت : هسته ای ، تیمی ، خانواده ای ، محلی ، صنفی، مردمی، علمی ، ... آن هم از همه اقشار و قلمروها و تخصص ها و قوم های مختلف و متفاوت با بینش و منش و روش علمی و انگیزه الهی تلاش و دقت ویژه ای باید کرد . به علت وجود سازمان های اطلاعاتی در جهان و منافع ملت ها و حاکمیت ها و احتمال نفوذ آنها ضرورت هوشیاری، زیرکی و کیّس بودن به خوبی احساس می گردد . و راه ها و روش های خاص خود را دارد. علم و تکنولوژی پیشرفته در جهان و ابزار قرار گرفتن آنها توسط مستکبران و جهان خواران نباید مانع از ایجاد احزاب مردمی، میلیونی ، مستقل، آزاد، سالم و... در سرزمین ما و سایر سرزمین ها باشد. بلکه ضرورت تاسیس چنین احزابی بیشتر درک می شود. قیام و پیروزی های ملت ها در عصر انبیا و اولیا با نصرت الهی و حفظ و هدایت تحولات و انقلاب‌های خاورمیانه و آفریقا و سایر جاها ضرورت ایجاد و توسعه چنین احزابی را بیشتر کرده است . بدیهی است ایجاد احزاب مردمی برای تقرب انسان ها به الله جل جلاله از مصادیق قیام لله مثنی و فرادا است. السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

پاک باخته راه خدا و دلباخته روح خدا مهاجرا الی الله

۱) یکی از برنامه های احزاب بزرگ در ایران باید ایجاد فرصت شغل مولد میلیونی در سال و غنای شغل باشد.

از نفس روزه تا روزه ی نفس

حجت اله دهقانی

امروزه دیگر سخن کردن راجع به حسنات و فضایل ماه مبارک رمضان و همچنین فواید روزه و روزه داری موضوع جدیدی به نظر نمی رسد و با وجود اطلاع رسانی از سوی متخصصین امر و رسانه های مختلف دیگر چندان ضرورتی ایجاب نمی نماید که در این باب صحبت به میان آید، ولی در این خصوص توجه به سخنی ارزشمند از مولای متقیان علی(ع) به منظور آشنایی هر چه بیشتر با مهم بودن موضوع می تواند که بسیار سودمند و راهگشا باشد : "روزه‌ی نفس از لذت های دنیوی سومند ترین روزه است." منتهی حیرت آورست که چرا با وجود دلایل متعدد علمی و مذهبی باز هم اهمیت روزه گرفتن و تأثیرات آن در زندگی فردی و اجتماعی توسط برخی مورد کم لطفی واقع می شود و چرا این افراد همزمان با نزدیک شدن به ماه مبارک رمضان بر خلاف گذشته احساس خوبی نسبت به این ماه پر خیر و برکت پیدا نمی کنند و با آه و ناله‌ای خاص به این ماه به عنوان مجموعه ای از محدودیت ها می نگرند؟ چرا همین اشخاص در ماه رحمت چندان توفیقی نمی یابند که از سد سختی ها و امتحان‌های روزه بگذرند و فقط تا سنین خاصی روزه داری می کنند و بعد از این سنین به یکباره دچار یک تحول فکری منفی می شوند و دست از روزه‌داری می کشند و این کار را بی فایده تلقی می کنند و بسی چرای مشابه دیگر که مجال بیان کردن آنها وجود ندارد که در این گفتار سعی و کوشش بر این است که از یک زاویه ی مهم و حیاتی به این معضل نگریسته شود هر چند که شاید عوامل دیگری نیز در بروز آن دخیل بوده باشند. در این رابطه می توان گفت که ادای فریضه الهی روزه در هر سنی متناسب با قدرت ادراک و تشخیص انسان، آموزش های مختص به همان دوران را می طلبد و بر همین اساس واضح است که انسان در سنین اولیه تکلیف به اقتضای شرایط سنی، توانایی درک جمیع ابعاد روزه را ندارد و قسمت عمده‌ای از آموزش های این دوره غالباً به آن بعدی از روزه اختصاص می یابد که تأکید بر خوردن و آشامیدن می کنند و حقیقتاً نیز به نظر می رسد که به لحاظ ذهنی پیش زمینه ی خوبی برای آماده کردن نوجوانان مکلف جهت پذیرفتن این مهم در سال های آتی باشد زیرا که به واسطه ی این بعد از روزه و به موجب ماهیت و مشکلات قابل لمس تر و کمتر تعبدی بودن آن، تفهیم و انتقال اولیه‌ی روزه به مراتب راحت تر صورت می گیرد تا دیگر ابعاد روزه که در این سنین به سبب عدم تفکرات عمیق تر به صورت تعبدی به فرد منتقل می شود، مانند بسیاری از اعمال خوب و بد که معمولاً فهم و پذیرش کمی و کیفی آنها برای انسان در سالهای اولیه تکلیف بسیار دشوارتر می نماید. ولی متأسفانه این آموزش ها در اغلب موارد برای بسیاری از افراد تازه به سن بلوغ رسیده همچنان که رشد و تکامل می یابند و از لحاظ فکری تقویت می شوند و زمینه برای کسب آگاهی های بیشتر در ضمیر وجودی آنان بیش از گذشته فراهم می گردد، به روز نمی شوند و اگر هم این اتفاق رخ دهد متناسب با پیشرفت وضعیت ذهنی آنها و به وقت نبوده است و این موضوع موجب می شود که به خاطر ضعف آگاه سازی به موقع، بیش از گذشته با همان برداشت های مبتدیانه ی سنین اولیه ی تکلیف انس پیدا کنند و این برداشت‌ها بیشتر در اذهان آنها ریشه بدواند و همین امر باعث می گردد که آرام آرام به صورت ناآگاهانه و ناخواسته دچار گونه‌ای بیگانگی و غریبگی با روزه ی حقیقی گردند و بپذیرند کلیات روزه همان تصورات اولیه ی دوران نوجوانی است که توسط دیگران به آنان القا شده است و در واقع هیچ گاه از لحاظ فکری این فرصت را نمی یابند که آنچنان که درخور است به نفس روزه و اهداف اصلی آن بیندیشند و دریابند که روزه مراتبی دارد و مراتب اولیه صرفاً دروازه‌ای جهت ورود و رسیدن به مراتب والاتر آن بوده است. از طرفی چون سختی های تشنگی و گرسنگی نیاز به قدرت درک بالا ندارند و بیش از دیگر سختی های روزه‌داری قابل احساس می باشند و همین طور به دلایل دیگری از قبیل، تأکید بیش از اندازه‌ی محیط اطراف و اطرافیان بر مقاومت کردن در برابر تشنگی و گرسنگی، فاصله گرفتن انسان از سنین نخست تکلیف، تکمیل تر شدن روند شکل گیری ذهنیتی انسان و عدم آموزش پذیری به سبک سال های نخستین دوره‌ی نوجوانی، افراد وقتی بالغ تر می شوند، چون اهمیت روزه را به صورت ریشه ای درک نکرده اند، ضمن سر باز زدن از اصل مطلب، به روزه فقط از این زاویه می نگرند و همین امر دلیلی می شود تا نسبت به دوران نوجوانی و جوانی چه به لحاظ توانایی جسمانی و چه به لحاظ محیط فریبی از مقاومت شکننده تری در قبال این مسئله برخوردار باشند و از جهت اعتقادی بیشتر در معرض وسوسه های شیطانی قرار گیرند و ساده تر در این راه به بن بست برسند. بنابراین ضروری است که زمینه ای فراهم گردد تا در هر مرتبه ای از روزه برای ثابت قدم بودن در آن نیز تا حدودی هم با مشقات و گرفتاری های آن دست و پنجه نرم شود تا تمرین و آزمونی باشد برای مراتب بالاتر که وظیفه انسان در آنها سنگین تر خواهد بود و در این راستا شایسته است که به این حدیث از امام هادی (ع) هم عنایت کرد که فرمودند: "هرکس بر طریق خدا پرستی محکم و استوار باشد مصائب دنیا برایش آسان است." پس تکلیف حکم می کند که برای رفع چنین مشکلاتی و همچنین پیشگیری از بروز آنها در جامعه ی اسلامی در قدم اول با بررسی دوباره اصول کلیدی و اینکه همه چیز در همین مفاهیم ابتدایی خلاصه نشده است، تفکرات کهنه و قدیمی دراین رابطه اصلاح گردد و در گام بعدی با احساس مسئولیت بیشتر نسبت به نوجوانان و جوانان، همت شود که با انتقال تدریجی مفاهیم صحیح به آنها، شناسایی گام به گام گرفتاری های پیش رو و در نهایت هر چه بیشتر هموار نمودن مسیر جهت نائل شدن به روزه نفس، چنین نگرشی کمتر در خاطرشان نهادینه شود.

حسادت احساس برای تلاش و ایجاد انگیزه پیشرفت یا مذموم و بازدارنده

(حسادت نکنیم- رقابت کنیم)

نویسنده : آوا (ضایی)(فتوحی)

گاهی اوقات به داشتن توانایی ها یا موقعیت‌های دیگران حس حسادت داریم.

زیرا احساس ناتوانی در خودمی کنیم این مسئله در بین افراد حتی اشخاصی که سواد آکادمیک هم دارند دیده شده است . در همه رشته ها (به خصوص در زمینه هنر و رشته های مختلف آن) اگر ما اطلاعاتمان را در آن زمینه افزایش دهیم و رقابت مفیدو سالمی داشته باشیم این رقابت سازنده است.

حسادت نوعی بیماری است که به تدریج باعث نابودی می شود. بیایید با حسادت مبارزه کنیم و بگوییم وقتی تو می توانی ، وقتی او می تواند ، من هم می توانم . کافی است این استارت را در پس زمینه فکریمان بزنیم و باور کنیم که می توانیم با توکل به خدا ،تلاش خود را کنیم و یقین بدانیم که رشد و ترقی خواهیم داشت. شاید از آن شخص یا گروهی که حسادت شما را برانگیختند با تلاش و کوشش بتوانید در آن رشته و یا هر زمینه ای که بوده بهتر بتوانید خود را مطرح کنید و موفق باشید کافی است خود را بیازمایید.

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای عباس مسعودی دارای شناسنامه شماره ۶۱۳۵ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۰-۳۶۷ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان ماه بگم رنجبر به شناسنامه ۴۰ در تاریخ ۹۰/۵/۱۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به

۱- گرگعلی رنجبر به شماره شناسنامه ۷۷ پدر متوفی

۲- پری جان مسعودی حسن آباد به شماره شناسنامه ۲۳۷ مادر متوفی

۳- محمد شفیع مسعودی حسن آباد به شماره شناسنامه ۲۹۲ همسر متوفی

۴- عباس مسعودی حسن آباد به شماره شناسنامه ۶۱۳۵ پسر متوفی

۵- علی مسعودی حسن آباد به شماره شناسنامه ۲۳۸۰۰۰۶۵۲۹-۲ پسر متوفی

۶- مهناز مسعودی حسن آباد به شماره شناسنامه ۳۶۱ دختر متوفی

۷- مهوش مسعودی حسن آباد به شماره شناسنامه ۳۶۱دختر متوفی

۸- مریم مسعودی حسن آباد به شماره شناسنامه ۱۱ دختر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت یک مرتبه آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

شماره : ۴۰۰/ م الف ۴۴۹

قاسم گودرزی - رئیس شعبه ۷ شورای حل اختلاف کلانتری۱۱شهری

طلوع روزنامه
در تمامی نقاط کشور اشتراک و آگهی می پذیرد
۰۷۱۱-۲۳۴۴۷۷۲
۰۷۱۲-۲۲۲۹۲۴۶